



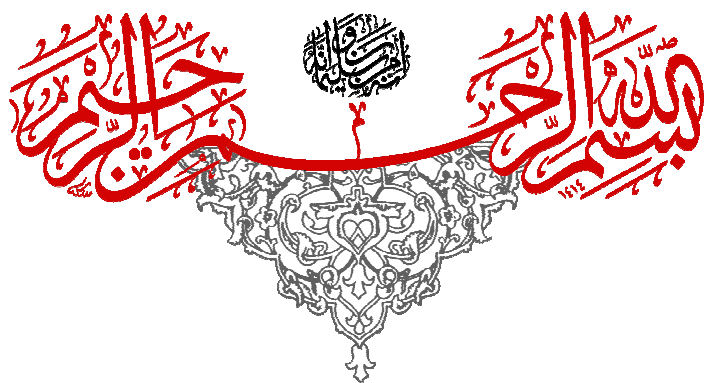
اربعین جامی

تألیف

مولانا ابوالبرکات نور الدین عبدالرحمن جامی

تخریج

مفتی محمد ابراہیم تیموری





اربعین جامی

تألیف

مولانا ابوالبرکات نور الدین عبدالرحمن جامی

تخریج

مفتی محمد ابراہیم تیموری



دو قعه ۱۴۳۹ هجری قمری
مطابق سرطان ۱۳۹۷ هجری شمسی موافق جولای ۲۰۱۸ میلادی
تعداد ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ و نشر این کتاب به شرط عدم تغییر در آن اجازه عام است.



جدیدترین PDF کتاب را می توانید از نشانی ذیل اخذ کنید: 

www.afghanicc.com/books

یا با نشانی (email) ذیل تماس بگیرید: 

miteymori@gmail.com

یا با شماره ذیل در تلفون، واتس اپ یا تلگرام تماس بگیرید: 

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حرف اول



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى. آمَنَّا بِعَدُوٍّ!



حضرت مولانا ابو البركات نور الدین عبد الرحمن بن شمس الدین احمد بن محمد جامی رحمته الله یکی از بزرگان اهل السنة و الجماعة، مذهباً حنفی و نسلأ از اعقاب امام فقیه محدث مشهور حضرت امام محمد بن الحسن شیبانی رحمته الله (متوفی ۱۸۹ هـ ق) از اعظم شاگردان حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمته الله می باشد. پدر بزرگوار ایشان در محله دشت اصفهان می زیست و از آنجا کوچیده در «جام» سکونت اختیار کرد و حضرت مولانا عبد الرحمن جامی رحمته الله در ۲۳ شعبان ۸۱۷ هجری قمری بوقت عشاء در همینجا بدنیا آمد و با این نسبت به «جامی» معروف شد.

حضرت مولانا عبد الرحمن جامی رحمته الله مُقَدِّمات ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر بزرگوار خویش آموخت و سپس در حلقه دُرسی خواجه علی سمرقندی رحمته الله شاگرد جلیل سید شریف



جرجانی رحمته الله و حلقه درسی مولانا شهاب الدین محمد جاجزی رحمته الله تلمیذ علامه سعد الدین تفتازانی رحمته الله و حلقه درسی مولانا جند اصولی رحمته الله شرکت نمود. مولانا جند رحمته الله «شرح مفتاح» را به طلبه تدریس و تفهیم می کرد و می گفت: از زمانی که شهر سمرقند آباد شده تا بحال شاگرد جید الطبعی مانند عبد الرحمن پا به آن نگذاشته.

در هرات بین مولانا عبد الرحمن جامی رحمته الله و مولانا علاء الدین قوشجی رحمته الله شارح «تجريد» مباحثه ای رو داد که مولانا جامی غالب آمد. علامه قوشجی رحمته الله اعتراف کرد که حالا یقین نمودم که «نفس قدسی» در همین جهان موجود است.

زمانی که مولانا عبد الرحمن جامی رحمته الله کسب علوم ظاهری را به پایان رسانید از سمرقند به خراسان آمده با حضرت خواجه عبید الله احرار رحمته الله در طریقت نقشبندیه بیعت نمود و به فیوض و برکات محبت ایشان به مقامات اعلیٰ رسید. ایشان همچنین از محضر شیخ سعد الدین کاشغری رحمته الله نیز استفاده نمود و با بسا مشایخ عظام ملاقات کرد.

حضرت مولانا جامی رحمته الله در سال ۸۷۷ هجری قمری به زیارت حرمین شریفین مُشَرَّف شد و همچنین به دیار حَلَب و دمشق و سایر مناطق شام مسافرت نمود. در سفر حج، علماء و مشایخ آنجا ایشان را تعظیم و تکریم وافر نمودند.

علامه ابن عابدین شامی رحمته الله نقل کرده که مولانا جامی رحمته الله یکبار به نیت زیارت روضه اقدس جناب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سفر نمود و در این نیت سفر حج را نیز شامل ن ساخت تا نیت خالص و محض برای زیارت نبوی عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتُ وَالتَّسْلِيمَاتُ باشد.



حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ با ذات مُقَدَّس نبوی صَلَّى اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم محبت بی منتها وشیفتگی والہانۂ بی انتہا داشت. اشعاری کہ چند روز قبل از وفات گفته شاهد این مُدعاست:

امن شوقاً الی دیار لقیّت فیہا جمال سلمی
 کہ می رسانند از آن نواحی پیام وصلت بہ جانب ما
 زہی جمال تو قبلۂ جان حریم کوی تو کعبۂ دل
 فإن سجدنا الیک نسجد وإن سعینا الیک نسعی
 بکت عیونی علی شیونی فساء حالی ولا أبالی
 کہ دانم آخر طیب وصلّت مریض خود را کند مداوا



حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ یکی از ممتازترین شاعران و ادبای زبان فارسی است. کتب منظوم ایشان بسیار مشہور بودہ و دیوان ایشان بارہا چاپ شدہ است. اما شعر و شاعری کمترین فضلِ ایشان است. ایشان دہہا کتاب و رسالہ در زبان عربی و فارسی از خود بجا گذاشتہ است:

- ﴿۱﴾ تفسیر القرآن تا فِائِیَّ فَاَرْهَبُونِ.
- ﴿۲﴾ رسالہ در تفسیر سورۂ اخلاص
- ﴿۳﴾ اربعین جامی
- ﴿۴﴾ شرح حدیث ابی ذر غفاری رضی اللہ عنہ
- ﴿۵﴾ شواہد النبوة
- ﴿۶﴾ نفحات الانس من حضرات القدس
- ﴿۷﴾ شرح فصوص الحکم
- ﴿۸﴾ نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

- ﴿ ٩ ﴾ الطريقة النقشبندية
- ﴿ ١٠ ﴾ رسالة فى الوجود
- ﴿ ١١ ﴾ رسالة فى الواحد
- ﴿ ١٢ ﴾ فقه منظوم
- ﴿ ١٣ ﴾ الحاشية القدسية
- ﴿ ١٤ ﴾ التحفة الملكية
- ﴿ ١٥ ﴾ مناقب خواجه عبد الله انصارى
- ﴿ ١٦ ﴾ شرح خاقانى
- ﴿ ١٧ ﴾ اشعة اللمعات
- ﴿ ١٨ ﴾ منتخب مثنوى معنوى
- ﴿ ١٩ ﴾ اللوامع
- ﴿ ٢٠ ﴾ تجنيس الخط
- ﴿ ٢١ ﴾ شرح قصيدة تائييه
- ﴿ ٢٢ ﴾ شرح رباعيات لوائح
- ﴿ ٢٣ ﴾ شرح البيتين الاوليين من المثنوى
- ﴿ ٢٤ ﴾ شرح ابيات امير خسرو دهلوى
- ﴿ ٢٥ ﴾ شرح كلمات خواجه پارسا
- ﴿ ٢٦ ﴾ الدرر الفاخرة فى تحقيق المذهب الصوفية
- ﴿ ٢٧ ﴾ رسالة فى وحدة الوجود
- ﴿ ٢٨ ﴾ رسالة فى اسئلة الهند واجوبتها
- ﴿ ٢٩ ﴾ مناقب عارف رومى
- ﴿ ٣٠ ﴾ رساله لا اله الا الله
- ﴿ ٣١ ﴾ مناسك حج
- ﴿ ٣٢ ﴾ اعتقادنامه
- ﴿ ٣٣ ﴾ الصرف المنظوم

- ﴿ ٣٤ ﴾ المنصور
- ﴿ ٣٥ ﴾ شرح ابيات مائة عامل منظوم
- ﴿ ٣٦ ﴾ شرح مفتاح الغيب
- ﴿ ٣٧ ﴾ مثنوى طرح نوى
- ﴿ ٣٨ ﴾ سلسلة الذهب
- ﴿ ٣٩ ﴾ سلامان و ابسال
- ﴿ ٤٠ ﴾ تحفة الاحرار
- ﴿ ٤١ ﴾ سبحة الابرار
- ﴿ ٤٢ ﴾ يوسف و زليخا
- ﴿ ٤٣ ﴾ ليلى و مجنون
- ﴿ ٤٤ ﴾ خردنامه اسكندرى
- ﴿ ٤٥ ﴾ ديوان اول
- ﴿ ٤٦ ﴾ ديوان ثانى
- ﴿ ٤٧ ﴾ ديوان ثالث
- ﴿ ٤٨ ﴾ ديوان رابع
- ﴿ ٤٩ ﴾ الكبير
- ﴿ ٥٠ ﴾ المتوسط
- ﴿ ٥١ ﴾ الصغير
- ﴿ ٥٢ ﴾ الاصغر (اين چهار رساله در معما هستند)
- ﴿ ٥٣ ﴾ منشآت جامى
- ﴿ ٥٤ ﴾ رسالة فى العروض
- ﴿ ٥٥ ﴾ رسالة فى القوافى
- ﴿ ٥٦ ﴾ رسالة فى الموسيقى
- ﴿ ٥٧ ﴾ بهارستان
- ﴿ ٥٨ ﴾ الكبرى

﴿ ۵۹ ﴾ الصغری

﴿ ۶۰ ﴾ رسالة فی الهیات

﴿ ۶۱ ﴾ رسالة فی الاضطراب

﴿ ۶۲ ﴾ رسالة فی المنطق

﴿ ۶۳ ﴾ حاشیة مفتاح

﴿ ۶۴ ﴾ هدیة الخلاں فی لطائف البیان

﴿ ۶۵ ﴾ الفوائد الضیائیة معروف به شرح جامی

مشهورترین کتاب حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ که بعد از گذر پنج قرن هنوز هم در مدارس اسلامیہ تدریس می شود همین کتاب «الفوائد الضیائیة» شرح «الكافیة» است که در حَلَقَات علمی بنام «شرح جامی» مشهور می باشد. این کتاب بعد از «شرح رضی» بهترین شرح «کافیة» هست و از همین سبب مقبول علماء قرار گرفته و تا حال ۲۶ حاشیه و شروحات در زبان های عربی و فارسی و اردو و ترکی برآن نوشته اند.



مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ در شروع مثنوی یوسف و زلیخا قصیده نعتیة مشهوری دارد. صاحب «أوجز المسالک إلى موطأ الامام مالک» حضرت شیخ الحدیث مولانا زکریا کاندِهلَوِی رحمۃ اللہ علیہ در کتاب «فضائل درود» خویش می نویسد که حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ بعد از سرودن این نعت اراده کرد تا آن را به خدمت نبوی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ وَالتَّسْلِيمَاتِ نزد روضه مُطَهَّر بخواند و هنگامی که از حج فراغت یافته اراده حرکت به سوی مدینة مُنَوَّره را نمود امیر مکه حضرت رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را به خواب

دید و آنحضرت به او فرمودند که جامی را نگذار نزد ما بیاید. فردا امیر مکه مولانا جامی رحمته الله را از رفتن به مدینه منع کرد، اما جاذبه و شوق دیدار نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت مولانا جامی رحمته الله آنقدر غلبه کرد که ایشان تحمل نتوانست و پنهان بسوی مدینه منوره حرکت کرد. امیر مکه دوباره حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بخواب دید که می فرماید جامی حرکت کرده او را نگذار نزد ما بیاید. امیر مکه این بار دو نفر را فرستاد و حضرت مولانا جامی رحمته الله را از راه برگردانید و بر ایشان سختی نموده ایشان را به زندان انداخت. اما بار سوم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بخواب دید که به او فرمودند: جامی مجرم نیست او قصیده‌ای برای ما گفته و می خواهد به مدینه آمده نزد قبرم آن را بخواند و اگر آن را بخواند از مقبره دست بیرون نموده با او مصافحه خواهیم نمود که سبب فتنه خواهد شد. امیر مکه فوراً حضرت جامی رحمته الله را از زندان بیرون نموده بسیار اعزاز و تکریم نمود. آن قصیده این است:

ز مهجوری برآمد جان عالم
 ترخّم یا نبی الله ترخّم
 نه آخر رحمةٌ للعالمینی
 ز محرومان چرا فارغ نشینی
 ز خواب ای لاله سیراب برخیز
 چو نرگس خواب چند از خواب برخیز
 برون آور سر از بُردِ یمانی
 که روی توست صبح زندگانی
 شب اندوه ما را روز گردان
 ز رویت روز ما فیروز گردان

به تن در پوش عنبر بوی جامه
 به سر بر بند کافوری عمامه
 فرو آویز از سر گیسوان را
 فکن سایه به پا سرو روان را
 ادیم طایفی نعلین پا کن
 شراک از رشته جانهای ما کن
 جهانی دیده کرده فرش راهند
 چو فرش اقبالِ پابوس تو خواهند
 ز حجره پای در صحن حرم نه
 به فرق خاک ره بوسان قدم نه
 بده دستی ز پا افتادگان را
 یکی دلداری ای دلدادگان را
 اگر چه غرق دریای گناهیم
 فتاده خشک لب بر خاک راهیم
 تو ابر رحمتی آن به که گاهی
 کنی بر حال لب خشکان نگاهی
 به خود درمانده ایم از نفس خودرای
 ببین درمانده ای چند و ببخشای
 اگر نَبُود چو لطف دستتاری
 ز دست ما نیاید هیچ کاری
 قضا می افکند از راه ما را
 خدا را از خدا درخواه ما را
 که بخشد از یقین اول حیاتی
 دهد آنگه به کار دین ثباتی
 چو هول روز رستاخیز خیزد



به آتش آب روی ما نریزد
 کند با این همه گمراهی ما
 تو را اذن شفاعت خواهی ما
 چو چوگان سرفکنده آوری روی
 به میدان شفاعت امتی گوی
 به حُسن اهتمامت کار «جامی»
 طفیل دیگران یابد تمامی



حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ در عمر ۸۱ سالگی در ۱۸ محرم ۸۹۸ هجری قمری در شهر هرات وفات کرد و در همانجا مدفون شد. اما بعدها بخاطر مصون ماندن از وحشیان صفویّه شیعه که اجساد بزرگان اهل سنت را از قبر می کشیدند و می سوزانیدند جسد مُطَهَّر ایشان را از آنجا بیرون نموده در جای دیگری دفن کردند.

کتاب اربعین جامی:

اربعین جامی شامل چهل حدیث شریف است که مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ آنها را به نظم فارسی ترجمه نموده است و همانطور که خداوند بزرگ «اربعین نَوَوِی» را فقبول خاص و عام گردانیده «اربعین جامی» را نیز در بین فارسی زبانان مورد قبول عام و خاص ساخته است. این اربعین بارها چاپ شده که بهترین طبع آن چاپ «انتشارات انجمن جامی» است که به مناسبت پنج صد و پنجاهمین سال ولادت جامی در کابل به طبع رسیده بود و

عالمی بر تخریج احادیث آن نیز اندک کار کرده بود. اربعین جامی در زبان انگلیسی هم ترجمه و چاپ شده است. مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ بر عموم علوم اسلامی نظر وسیع داشت. بعد از چهل روز کار بر تخریج احادیث اربعین مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ آنچه بر حقیر روشن شد وسعت مطالعه و نظر حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ در کتب حدیث شریف بود.

کار بنده بر اربعین جامی:

مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ تنها ترجمہ احادیث را به صورت منظوم نوشته بود. بنده ترجمہ سادہ احادیث را نیز افزودم. مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ جهت اختصار حوالہ احادیث را نیاورده است، بنده مختصراً حوالہ احادیث را آوردم. مولانا جامی رحمۃ اللہ علیہ درجہ حدیث را نیاورده است، بنده درجہ آن احادیث را نیز افزودم.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

در آخر به بارگاہ الہی دعا دارم تا این اوراق را سبب رضای خویش از ما بگرداند. رحمت حق بہانہ می جوید بها نمی جوید.

بنده همان بہ کہ ز تقصیر خویش

عذر بہ درگاہ خدای آوَرَد

ورنہ سزاوار خداوندیش

کس نتواند کہ بجای آوَرَد

محمد ابراہیم تیموری

ذو القعدہ ۱۴۳۹ ہجری قمری موافق سرطان ۱۳۹۷ ہجری

شمسی مطابق جولای ۲۰۱۸ میلادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اربعین جامی



صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین و مُحَدَّثانِ مدارس یقین املا کنند حمدِ دانائست که کلماتِ تامَّهٔ جامعہ بر زبانِ مُعْجِزِیَّانِ حبیبِ خود گذرانیده و آن را تالیِ کلامِ کامل و خطابِ شاملِ خود گردانیده و به نقلِ ثِقَّةٍ بَعْدَ ثِقَّةٍ به گوش محرومان از سعادتِ صحبتِ وی رسانیده و به نورِ علمِ به آن و عملِ به مُوجِبِ علمِ از ظُلُمَاتِ ضلالتِ شان رهاانیده. وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ نَقْلَةً عُلُومِهِ وَحَفْظَةً آدَابِهِ.

اما بعد:

این «چهل کلمه» ای است از آن کلمات که سهولتِ فهم و حفظ را به نظمِ فارسی ترجمه کرده می آید، امیدواری آن را که ناظمِ مترجمِ امروز در شرط «مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفَعُونَ بِهِ»^(۱) داخل شود و فردا به سعادتِ جزاءِ «بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا»^(۲) واصل گردد. وَمِنْ اللَّهِ مَكُونِ الْكَوْنِ، الْعِصْمَةُ

(۱) ترجمه: «هر کس چهل حدیث را به اُمت من برساند تا از آن نفع ببرند».

(۲) ترجمه: «خداوند او را در زمرهٔ فقهاء و علماء حشر می کند».

(۱) الاربعون النَّوَوِيَّةُ لِلنَّوَوِي: ص ۳۷ تا ۴۳ | مشکاة المصابيح مع المرقاة: ۳۲۸/۱
 حديث ۲۵۸ کتاب العلم | المجالسة وجواهر العلم للدينوری: ۱۶۴/۷ حديث ۳۰۷۰
 | الفوائد للبجلي الرازی: ۱۴۰/۲ حديث ۱۳۶۸ و حديث ۱۳۶۹ | جامع بيان العلم
 وفضله لابن عبد البر: ۱۹۲/۱ حديث ۲۰۴ و ۲۰۵ | ترتيب الأمالي الخميسية للشجري:
 ۱۲/۱ حديث ۴ | معجم الشيوخ لابن عساكر: ۲۶۹/۱ حديث ۳۱۶ | شعب الايمان
 للبيهقي: ۲۳۹/۳ حديث ۱۵۹۶ و حديث ۱۵۹۶ | حلية الأولياء وطبقات الأصفياء
 لابی نعیم الاصبهانی: ۱۸۹/۴ | حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لابی نعیم الاصبهانی:
 ۱۸۹/۴ | مسند الموطأ للجوهري: ص ۹۴ حديث ۲۸ | كتاب الفوائد (الغيلانيات):
 ۳۷۰/۱ حديث ۳۸۹ | السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير
 للعزیزی: ۲۸۹/۴ | التعيين في شرح الأربعين: ص ۱۵ مقدمة المؤلف
درجهٔ حديث:

قال النووي رحمه الله: واتفق الحفاظ على أنه حديثٌ ضعيفٌ. (الاربعون
 النووية: ص ۳۸) ... وقد اتفق العلماء على جواز العمل بالحديث الضعيف (ص ۴۲)
 في فضائل الأعمال. ومع هذا فليس اعتمادي على هذا الحديث، بل على قوله صلى
 الله عليه وسلم في الأحاديث الصحيحة: «لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْعَائِبَ»، وقوله صلى
 الله عليه وسلم: «نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مَقَالَتي فَوَعَاها فَأَدَّاهَا كَمَا سَمِعَهَا». (الاربعون
 النووية: ص ۴۳)

امام نووی رحمه الله دربارهٔ اسناد این حدیث شریف می نویسد: حُفاظ
 حدیث اتفاق دارند که این حدیث ضعیف است... و باید دانست که علمای اسلام
 بر جواز استفاده از حدیث ضعیف در فضائل اعمال اتفاق دارند. (الاربعون
 النووية: ص ۳۸ تا ۴۳)

ثانیاً این حدیث شریف هم طُرُق بسیار زیادی دارد چنانکه چهارده صحابهٔ
 کرام آن را روایت کرده اند و شواهد صحیح دارا می باشد چنانچه در صحیح بخاری
 روایت است: «بَلَّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»، از من به دیگران برسانید حتی اگر یک روایت
 هم باشد (صحیح البخاری: حدیث ۳۴۶۱)، و حدیث «لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ»، حاضر
 به غایب برساند (صحیح البخاری: حدیث ۶۷)، و حدیث «نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مَقَالَتي
 فَوَعَاها وَحَفِظَهَا وَبَلَّغَهَا»، خداوند نیکو و پررونق بدارد کسی را که حدیث مرا بشنود
 و آن را بفهمد و بیاد بسپارد و به مردم برساند. (جامع الترمذی: حدیث ۲۶۵۸)
 پس با وجود طُرُق کثیر و شواهد صحیح، این حدیث شریف در فضائل
 یقیناً قابل استفاده می باشد.

﴿ حدیث اول ﴾



قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ.

ترجمه: حضرت رسول خدا **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** فرمودند: هیچ کسی تا هنگامی مسلمان درست بوده نمی تواند که آنچه برای خود می پسندد برای برادر مسلمان خود نیز نپسندد.^(۱)

هر کسی را لقب مکن مؤمن
گرچه از سعی جان و تن کاهد
تا نخواهد برادر خود را
آنچه از بهر خویشتن خواهد

﴿ حدیث دوم ﴾



مَنْ أُعْطِيَ لِلَّهِ، وَمَتَعَ لِلَّهِ، وَأَحَبَّ لِلَّهِ، وَأَبْغَضَ لِلَّهِ، فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيمَانَهُ.

ترجمه: هر کسی به خاطر رضای خدا انفاق کرد و بخاطر او از انفاق دست بازداشت و به خاطر خدا دوستی نمود و به خاطر خدا دشمنی اش بود، او ایمان خود را کامل گردانیده

(۱) صحیح البخاری: ۱۲/۱ حدیث ۱۳ کِتَابُ الْإِيمَانِ، بَابُ: مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ | صحیح مسلم: ۶۷/۱ حدیث ۴۵ کِتَابُ الْإِيمَانِ، بَابُ الدَّلِيلِ عَلَى أَنَّ مَنْ خِصَالَ الْإِيمَانِ أَنْ يُحِبَّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ مِنَ الْخَيْرِ

هر که در حُبّ و بُغْض و منع و عطا
 نبودش دل بغیر حقّ مایل
 نقدِ ایمانِ خویش را یابد
 بر مَحَكِّ قبولِ حقّ کامل

﴿ حدیث سوم ﴾



اَلْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.

ترجمه: مسلمان آن کس است که مسلمانان از دست و زبان
 وی در امان باشند. ^(۲)

مُسْلِمِ آنکس بُود به قول رسول
 گرچه عامی بُود و گر عالم
 که به هر جا بُود مسلمانی
 باشد از قول و فعل او سالم

(۱) المستدرک للحاکم: ۱۷۸/۲ حدیث ۲۶۹۴ کتاب النکاح | جامع الترمذی: ۶۷۰/۴

حدیث ۵۲۱ أَبَوَابُ صِفَةِ الْقِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ، آخرین باب آن | سنن ابی داؤد:

۶۹/۷ حدیث ۴۶۸۱ أول کتاب السنة، باب الدلیل علی زیادة الإیمان ونقصانه

درجه حدیث: قال الحاکم: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ

يُخَرِّجَاهُ. وقال الذهبي: على شرط البخاري ومسلم

(۲) صحیح البخاری: ۱۱/۱ حدیث ۱۰ و ۱۱ کتاب الایمان، باب: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ

مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ | صحیح مسلم: ۶۵/۱ حدیث ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ كِتَابُ الْإِيمَانِ، بَابُ

بَيَانِ تَفَاضُلِ الْإِسْلَامِ، وَأَيُّ أُمُورِهِ أَفْضَلُ

﴿ حدیث چهارم ﴾



خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ.

ترجمه: دو خصلت در مؤمن یکجا جمع نمی شود: بخل و بد اخلاقی.^(۱)

بذل کن مال و خوی نیکو و زر
راه ایمان اگر همی پوئی
زانکه در هیچ مؤمنی با هم
نشود جمع بخل و بد خوئی

﴿ حدیث پنجم ﴾



يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشَبُّ فِيهِ خَصْلَتَانِ: الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ.

ترجمه: انسان پیر می شود ولی دو صفت در او جوان می

(۱) جامع الترمذی: ۴/۳۴۳ حدیث ۱۹۶۲ أَبْوَابُ الْبِرِّ وَالصَّلَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي الْبَخِيلِ | مسند ابی داؤد الطیالسی: ۳/۶۰۶ حدیث ۲۳۳۲ | منتخب مسند عبد بن حمید: ص ۳۰۷ حدیث ۹۹۴ | الکنی والانساب للدولانی: ۳/۱۰۴۸ حدیث ۱۸۴۰ | مسند الشهاب للقضاعی: ۱/۲۱۱ حدیث ۳۱۹ | شعب الایمان للبيهقي: ۱۳/۲۸۱ حدیث ۱۰۳۳۶ الاعراض عن اللغو | الآداب للبيهقي: ص ۳۵ حدیث ۸۷ | المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي للغماری: ۳/۴۷۹ و ۴۸۰ حدیث ۳۹۱۵/۱۶۴۹

درجه حدیث:

حدیث ضعیف و لاکن له شواهد فیتقوی بها.

شوند: حرص بر اندوختن پول و مال، و آرزوهای طولانی.^(۱)

آدمی را به پیری افزایش
هر زمان در بنای عمر خلل
لیک در وی جوان شود دو صفت
حرص بر جمع مال و طولِ اَمَل

﴿ حدیث ششم ﴾



مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ.

ترجمه: هر کس شکر مردم را بجا نیاورد شکر خدا را نیز
بجا نمی آورد.^(۲)

(۱) المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۷۴۴ حدیث ۱۳۵۲ | کَشَفُ الْمَنَاهِجِ وَالتَّنَاقِيحِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيحِ لِلْمَنَآوِي واللفظ لهما: ۱۳۲/۴ تحت حدیث ۳۶۹۶ | صحیح البخاری بلفظ يَكْبُرُ: ۹۰/۸ حدیث ۶۴۲۱ كِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ مَنْ بَلَغَ سِتِّينَ سَنَةً، فَقَدْ أَعْدَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي الْعُمُرِ | صحیح مسلم بلفظ يَهْرُمُ: ۷۲۴/۲ حدیث ۱۰۴۷ كِتَابُ الرِّكَائَةِ، بَابُ كِرَاهَةِ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا | مسند احمد بلفظ يَهْرُمُ: ۱۸۹/۱۹ حدیث ۱۲۱۴۲ | جامع الترمذی بلفظ يَهْرُمُ: ۵۷۰/۴ حدیث ۲۳۳۹ أَبْوَابُ الزُّهْدِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بَابُ مَا جَاءَ فِي قَلْبِ الشَّيْخِ شَابٌ عَلَى حُبِّ اثْنَتَيْنِ (۲) جامع الترمذی: ۳۳۹/۴ حدیث ۱۹۵۵ أَبْوَابُ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي الشُّكْرِ لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ | مسند احمد: ۴۷۲/۱۲ حدیث ۷۵۰۴ | كَشَفُ الْمَنَاهِجِ وَالتَّنَاقِيحِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيحِ لِلْمَنَآوِي: ۵۶۴/۲ حدیث ۲۲۴۵

درجۀ حدیث: قال المناوی: رواه الترمذی فی البر من حدیث أبي سعید الخدری وقال فیہ: حَسَنٌ، ورواه أبوداود فی الأدب والترمذی أيضًا من حدیث أبي هريرة بنحوه، وقال: حَسَنٌ صَحِيحٌ. (کَشَفُ الْمَنَاهِجِ لِلْمَنَآوِي: ۵۶۴/۲ حدیث ۲۲۴۵) وحديث مُسْنَد احمد إسناده صَحِيحٌ، رجاله ثقات رجال الصَّحِيح.

به تو نعمت ز دست هر که رسد
 نه به میدانِ شکرگوئی پای
 گی به شکرِ خدا قیام کند
 تارکِ شکرِ بندگانِ خدای

﴿ حدیث هفتم ﴾



مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ، لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

ترجمه: هر که بر مردم رحم نکند خدا بر او رحم نخواهد کرد.^(۱)

رحم کن رحم زانکه بر رخ تو
 درِ رحمت جز از تو نگشاید
 تا تو بر دیگران نبخشائی
 اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ نبخشاید

﴿ حدیث هشتم ﴾



الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ.

(۱) صحیح البخاری: ۱۱۵/۹ حدیث ۷۳۷۶ کِتَابُ التَّوْحِيدِ، بَابُ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: قُلْ اَدْعُوا اللَّهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمَنَ اَيُّمَا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى | صحیح مسلم: ۱۸۰۹/۴ حدیث ۲۳۱۹ کِتَابُ الْفَضَائِلِ، بَابُ رَحْمَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّبِيَّانَ وَالْعِيَالَ وَتَوَاضَعِهِ وَفَضْلِ ذَلِكَ

ترجمه: دنیا مورد لعنت است و هر چه در آن است مورد لعنت است، بجز ذکر الله.^(۱)

هدی لعنتِ خدای آمد
دنیا و هرچه هست در دنیا
غیر ذکرِ خدا که صاحبِ ذکر
در دو عالم به رحمت است اُولی

﴿ حدیث نهم ﴾



لُعِنَ عَبْدُ الدِّيْنَارِ، وَلُعِنَ عَبْدُ الدَّرْهَمِ.^(۲)

(۱) جامع الترمذی: ۵۱۶/۴ حدیث ۲۳۲۲ أَبْوَابُ الزُّهْدِ | سنن ابن ماجه: ۲۳۱/۵
حدیث ۴۱۱۲ أَبْوَابُ الزُّهْدِ، بَابُ مَثَلِ الدُّنْيَا
درجه حدیث:

حدیثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. قال الامام الترمذی: حدیث حَسَنٌ. وقال الغُماری: قال الحافظ المنذری: «إسناده لا بأس به»، وله مع ذلك طرق أخرى متعددة منها ما حکم له الحافظ بالصحة على انفراد... وقد صَحَّحَهُ الضیاء المقدسی، ومنها حدیثُ أبي سعید الخدری نحوه عند ابن المبارک عن ثور بن یزید عن خالد بن معدان عن أبي سعید، ورواه من طریقہ ابن عبد البر فی العلم، فالحدیث حینئذٍ مع هذه الطرق لا یشک فی صحته إلا معاند متعنت.

(المداوی لعلل الجامع الصغير و شرحی المناوی: ۶۱/۴ تا ۶۳ حدیث ۱۸۰۴)

۴۲۸۰ و ۴۲۸۱ / ۱۸۰۵ و ۴۲۸۳ / ۱۸۰۶

(۲) جامع الترمذی واللفظ له: ۵۸۷/۴ حدیث ۲۳۷۵ أَبْوَابُ الزُّهْدِ | صحیح البخاری بلفظ تَعَسَّ عَبْدُ الدِّيْنَارِ وَالْدَّرْهَمِ: ۳۴/۴ حدیث ۲۸۸۶ و ۲۸۸۷ كِتَابُ الْجِهَادِ وَالسَّيْرِ، بَابُ الْحِرَاسَةِ فِي الْعَزْوِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

ترجمه: بنده دینار از رحمت خدا دور باد، بنده درهم از رحمت خدا دور باد.

گرچه هست آفتابِ رحمتِ حق
شاملِ ذره ذره عالم
باد از آن دور بنده دینار
باد از آن دور بنده درهم

﴿ حدیث دهم ﴾



دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَّعَ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ.

ترجمه: بر طهارت مداومت کن، رزق بر تو وسیع می‌گردد.^(۱)

ای کز آلودگیِ تو شب و روز
فاقه و فقرِ تو زیاده شود
بی طهارت مباش تا بر تو
روزی تنگِ تو گشاده شود

(۱) **کنز العمال:** ۱۲۹/۱۶ حدیث ۴۴۱۵۴ کتاب المواعظ والرفائق والخطب والحکم من قسم الأفعال، فصل فی جامع المواعظ والخطب، خطب النبی صلی الله علیه وسلم ومواعظه | **جامع الاحادیث:** ۴۲۹/۳۶ تا ۴۳۲ حدیث ۳۷۶۴۰

درجه حدیث: قال الشيخ جلال الدين السيوطي رحمته الله: وجدت بخط الشيخ شمس الدين بن القماح في مجموع له عن أبي العباس المستغفري قال: قصدت مصر أريد طلب العلم من الإمام أبي حامد المصري والتمست منه حديث خالد بن الوليد فأمرني بصوم سنة ثم عاودته في ذلك فأخبرني بأسناده عن مشايخه إلى خالد بن الوليد قال: جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال...: أحبُّ أن يُوسَّعَ عَلَيَّ في الرِّزْقِ، قَالَ: **دُمْ عَلَى الطَّهَارَةِ يُوسَّعَ عَلَيْكَ فِي الرِّزْقِ.**

﴿ حدیث یازدهم ﴾



لَا يُلَدِّغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ.

ترجمه: مسلمان از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.^(۱)

دیگر از وی مدار چشم وفا
هر که شد با تو در جفا گستاخ
زانکه هرگز دو بار مؤمن را
نگزد مار از یکی سوراخ

﴿ حدیث دوازدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَلْعِدَّةُ دَيْنٍ.

ترجمه: وعده دادن، قرض بر گردن خود نهادن است.^(۲)

(۱) صحیح البخاری: ۳۱/۸ حدیث ۶۱۳۳ کِتَابُ الْأَدَبِ، بَابُ: لَا يُلَدِّغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ | صحیح مُسْلِم: ۲۲۹۵/۴ حدیث ۲۹۹۸ کِتَابُ الزُّهْدِ وَالرَّقَائِقِ، بَابُ: لَا يُلَدِّغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ

(۲) المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۳/۴ حدیث ۳۵۱۳ و ۳۵۱۴ | المعجم الصغیر للطبرانی: ۲۵۶/۱ حدیث ۴۱۹ | مسند الشهاب للقضاعی: ۴۰/۱ حدیث ۷ | الفردوس بمأثور الخطاب للدیلمی: ۸۲/۳ حدیث ۴۲۲۸ باب الظاء | أَسْنَى الْمُطَالِبِ فِي أَحَادِيثِ مَخْتَلَفَةِ الْمَرَاتِبِ لِلْحَوْتِ الشَّافِعِيِّ: ص ۱۳۱ حدیث ۹۳۴

درجہ حدیث:

إِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَلَا كُنْ لَهُ عِدَّةٌ طُرُقٍ فَهُوَ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

مرد را هرچه بگذرد به زبان
عیب باشد و رای آن کردن
وعده در ذمه گرم قرض است
فرض باشد ادای آن کردن

﴿ حدیث سیزدهم ﴾



وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ.

ترجمه: راز مجالس امانت است.^(۱)

ای شده مَحْرَمِ مجالس، پس
راز هر مجلسی امانت تُست
مکن افشای رازِ مجلسِ کس
زانکه افشای آن خیانت تُست

(۱) مسند احمد: ۴۵/۲۳ حدیث ۱۴۶۹۳ | سنن ابی داود: ۲۳۲/۷ حدیث ۴۸۶۹ اول

کتاب الأدب، باب فی نقلِ الحدیث | ومثله فی جامع الترمذی: ۳۴۱/۴ حدیث ۱۹۵۹
أَبْوَابُ الْبِرِّ وَالصَّلَةِ، بَابُ مَا جَاءَ أَنَّ الْمَجَالِسَ أَمَانَةٌ | مسند احمد: ۳۶۲/۲۲ حدیث

درجه حدیث:

قال الإمام الترمذی رحمه الله: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ». قلتُ: وَلَهُ طَرَقٌ كَثِيرَةٌ وَشَوَاهِدٌ صَحِيحَةٌ فَهُوَ حَدِيثٌ حَسَنٌ لِذَاتِهِ صَحِيحٌ لِعَيْرِهِ.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ.

ترجمه: کسی که از او مشورت می خواهند در مشورت امانتدار باشد.^(۱)

هر که در مشورت امین تو شد
گرچه باشد امان روی زمین
چون نهان دارد آنچه مصلحت است
خاینش خوان به حکم دین نه امین

﴿ حدیث پانزدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ: السَّمَاخُ رَبَاحٌ.

ترجمه: عفو و بخشش، نفع است.^(۲)

(۱) جامع الترمذی: ۵۸۳/۴ حدیث ۲۳۶۹ أَبْوَابُ الرُّهْدِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي مَعِيشَةِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ | جامع الترمذی: ۱۲۵/۵ حدیث ۲۸۲۲ و ۲۸۲۳ أَبْوَابُ الْأَدَبِ، بَابُ أَنَّ الْمُسْتَشَارَ مُؤْتَمَنٌ | سنن ابن ماجه: ۶۸۱/۴ حدیث ۳۷۴۵ و ۳۷۴۶ أَبْوَابُ الْأَدَبِ، بَابُ الْمُسْتَشَارِ مُؤْتَمَنٌ | سنن أبی داود: ۴۴۷/۷ حدیث ۵۱۲۸ أول كتاب الأدب، باب في المشورة | مسند احمد: ۴۳/۳۷ حدیث ۲۲۳۶۰

درجه حدیث: قال الإمام الترمذی رحمه الله: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ».

(۲) كشف الخفاء ومزيل الإلباس للعجلونی: ۵۲۲/۱ حدیث ۱۴۸۹ | مسند الشهاب للقضاة: ۴۸/۱ حدیث ۲۳ السَّمَاخُ رَبَاحٌ وَالْعُسْرُ سُؤْمٌ | الفردوس بمانور الخطاب

سودت اگر بایدت ز مایه خویش
دستِ بخشش گشای و بخشایش
سودت اکنون ستایش و فردا
در جوارِ خدایِ آسایش

﴿ حدیث شانزدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: **الدَّيْنُ شَيْنُ الدِّينِ.**

ترجمه: قرضداری عیبِ دینداری است.^(۱)

نکشد بهر مالِ دنیا رنج
هر که خواهد کمالِ بهرهٔ دین
چهرهٔ دین مکن به ناخنِ دین
تا نکاهد جمالِ چهرهٔ دین

للدیلمی: ۳۴۷/۲ حدیث ۳۵۷۱ | الدرر المنتثرة في الأحادیث المشتهرة للسيوطی:

حدیث ۲۶۲ | التخریج الصغیر والتحییر الکبیر لابن المبرد: (مطبوع ضمن مجموع

رسائل ابن عبد الهادی): ۱۰۴/۳ حدیث ۵۱۷ حرف السین | المقاصد الحسنة

للسخاوی: ص ۳۹۱ حدیث ۵۷۰ حرف السین المهملة

درجهٔ حدیث: حَدِيثٌ ضَعِيفٌ وَلَاكِنْ لَهُ شَوَاهِدٌ

(۱) مسند الشهاب للقضاعي: ۵۳/۱ حدیث ۳۱ الدَّيْنُ شَيْنُ الدِّينِ | معرفة الصحابة:

۲۴۶۹/۵ حدیث ۶۰۱۷ | كنز العمال: ۲۳۱/۶ حدیث ۱۵۴۷۶ | التخریج الصغیر والتحییر

الکبیر (مطبوع ضمن مجموع رسائل ابن عبد الهادی): ۹۱/۳ حدیث ۴۶۰ | كشف

الخفاء: ص ۴۱۵ تحت حدیث ۱۳۲۷

درجهٔ حدیث: سَنَدُهُ ضَعِيفٌ وَلَاكِنْ لَهُ شَوَاهِدٌ

﴿ حدیث هفدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

ترجمه: قناعت مالی است که هرگز ختم نمی شود.^(۱)

صاحبِ حرص را ز خوانِ کرم
فیض احسان نمی رسد هرگز
به قناعت گرای کان مالیست
که به پایان نمی رسد هرگز

﴿ حدیث هژدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. صَدَقَ.

ترجمه: خواب صبحگاهی مانع (برکت) روزی است.

ای کمر بسته کسبِ روزی را
صبح خیزی دلیلِ فیروزیست
بهرِ خوابِ صباح چشمِ مبند

(۱) المعجم الاوسط للطبرانی: ۸۴/۷ حدیث ۶۹۲۲ | کتاب الأمثال فی الحدیث النبوی

للأصبهانی: ص ۱۲۴ حدیث ۸۳ | الترغیب فی فضائل الأعمال لابن شاهین: ص ۹۵

حدیث ۳۰۶ | مسند الشهاب للقضاعی: ۷۲/۱ حدیث ۶۳ | ترتیب الأمالی الخمیسية

للشجری: ۲۷۳/۲ حدیث ۲۴۱۴

درجه حدیث: حَدِيثٌ ضَعِيفٌ وَلَٰكِنْ لَهُ شَاهِدٌ

زانکه این خواب مانع روزیست^(۱)

﴿ حدیث نوزدهم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: أَفَةُ السَّمَاحَةِ الْمُنْ. صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ.

ترجمه: آفت بخشش و جواهرمردی منت نهادن است.^(۲)

(۱) **الآداب للبيهقي:** ص ۲۷۶ حديث ۶۷۵ بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يُكْرَهُ فِيهِ النَّوْمُ وَلَا يُكْرَهُ
| **مسند احمد:** ۵۴۷/۱ حديث ۵۳۰ | **شرح مشكل الآثار للطحاوي:** ۱۰۳/۳ حديث ۱۰۷۴
بَابُ بَيَانِ مُشْكِلِ مَا رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَسْأَلَتِهِ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ أَنْ يَرُدَّ الشَّمْسُ عَلَيْهِ بَعْدَ غَيْبُوتِهَا... | **مسند الشهاب للقضاعي:** ۷۳/۱ حديث ۶۵
| **شعب الايمان للبيهقي:** ۴۰۱/۶ حديث ۴۴۰۲ | **أحاديث الشيوخ الثقات**
(المشيخة الكبرى): ۴۹۵/۲ حديث ۶۳ | **حلية الأولياء وطبقات الأصفياء للصباحاني:**
۲۵۱۱/۹ | **المقاصد الحسنة للسخاوي:** ص ۴۱۸ حديث (۶۱۵)

درجۀ حدیث:

سَدُّ ضَعِيفٌ ولاكن لسنده شواهد عند البيهقي في الآداب وعند السخاوي
في المقاصد الحسنة، ومتابع عند الطحاوي في مشكل الآثار و عند القاضي مارستان؛
ولم تنته مؤيدات في مشكل الآثار للطحاوي والآداب للبيهقي والمقاصد الحسنة للسخاوي،
والعمل عليه عند السلف.

(۲) **المعجم الكبير للطبراني:** ۶۸/۳ حديث ۲۶۸۸ | **مسند الشهاب للقضاعي:** ۷۸/۱
حديث ۷۳ | **تخريج احاديث احياء علوم الدين:** ۲۰۳۸/۵ تحت حديث ۳۲۱۷ |
كنز العمال: ۲۶۷/۱۶ حديث ۴۴۳۸۹ و حديث ۴۴۱۲۱ | **المداوي لعلل الجامع الصغير**
وشرحي المناوي للغماري: ۳۱/۱ تا ۳۵ حديث ۸ - ۱۰

درجۀ حدیث:

قال العراقي: وسنده ضعيف إلا أنه صحيح المعنى. (تخريج احاديث احياء
علوم الدين: ۲۰۳۸/۵ تحت حديث ۳۲۱۷)

گی به نعمت کسی شود دل گرم
 چون ز منت کنند دل سردی
 غیر بادِ خزانِ منت نیست
 آفت روضه جواهرمدی

﴿ حدیث بیستم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: وَالسَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ. صَدَقَ.

ترجمه: نیک بخت آنکس است که از دیگران پند بگیرد. ^(۱)

نیکبخت آنکسی که می نبرد
 رشک بر نیک بختیِ دگران
 سختی روزگار نادیده
 پند گیرد ز سختیِ دگران

﴿ حدیث بیست و یکم ﴾



كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ.

(۱) مُسْلِمٌ شریف: ۲۰۳۷/۴ حدیث ۲۶۴۵ کتاب الْقَدَرِ، بَابُ كَيْفِيَةِ خَلْقِ الْآدَمِيِّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَكِتَابَةِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقَاوَتِهِ وَسَعَادَتِهِ | سنن ابن ماجه: ۳۱/۱ و ۳۲ حدیث ۴۶ أَبْوَابُ السُّنَّةِ، بَابُ اجْتِنَابِ الْبِدْعِ وَالْجَدَلِ

درجه حدیث:

حدیث مُسْلِمٌ موقوف فی حکم المرفوع، و حدیث ابن ماجه مرفوعٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

ترجمه: برای گناهکار شدن یک شخص همین کافیست
که هر چیزی می‌شود به دیگران بگوید.^(۱)

مرد را بس همین گنه که قدم
از مَقَرِّ امان نهد بیرون
هرچه آید درونِ روزنِ گوش
از مَمَرِّ زبان دهد بیرون

﴿ حدیث بیست و دوم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظًا. صَدَقَ.

ترجمه: مرگ برای وعظ و پندگیری کافی است.^(۲)

(۱) صحیح ابن حبان: ۲۱۴/۱ حدیث ۳۰ | مستدرک الحاکم: ۱۹۵/۱ حدیث ۳۸۱
و ۳۸۲ | سنن ابی داؤد: ۳۴۴/۷ حدیث ۴۹۹۲ أول کتاب الأدب، باب فی الکذب |
صحیح مُسْلِم بلفظ «کَذِبًا»: ۱۰/۱ مقدمة

درجه حدیث: إسنادهُ صحیحٌ عَلَى شَرَطِ الصَّحِيحِ.

(۲) مسند الشهاب للقضاعي: ۳۰۲/۲ حدیث ۱۴۱۰ كفى بالموت واعظاً | معجم بن
الاعرابی: ۵۱۲/۲ حدیث ۹۹۲ باب ی | شعب الایمان للبيهقي: ۱۳۶/۱۳ حدیث ۱۰۰۷۲
الزهد وقصر الامل | الزهد والرقائق لابن المبارك: ۳۷/۲ باب فی ذکر الموت | شرح
السنة للبخاری: ۲۶۱/۵ باب ذکر الموت | الیقین لابن ابی الدنيا: ص ۴۶ حدیث ۳۰ |
الزهد لاحمد بن حنبل: ص ۱۴۵ حدیث ۹۸۴

درجه حدیث: سند المرفوع ضعیفٌ ولكن له شاهدان صحيحان موقوفان عن
ابن مسعود ؓ (الزهد والرقائق لابن المبارك: ۳۷/۲ | شرح السنة للبخاری: ۲۶۱/۵ و
عمار بن یاسر ؓ) (الیقین لابن ابی الدنيا: ص ۴۶ حدیث ۳۰) و كان نقش خاتم امير
المؤمنين عمر ؓ «كفى بالموت واعظاً يا عمر». (الموطا بتحقيق الاعظمی: ۸۵/۶)



چند گیری به مجلسِ واعظ
 پای منبر پی گرفتنِ پند
 وعظِ تو بس به مرگ همسایه
 نعرهٔ نوحه گر به بانگِ بلند

﴿ حدیث بیست و سوم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ.

ترجمه: بهترین مردم کسی است که بیشتر از همه به مردم
 نفع می رساند.^(۱)

ای که پُرسی که بهترین کس کیست
 گویم از قولِ بهترینِ کسان
 بهترین کس کسی بُود که ز خلق
 بیش باشد به خلقِ نفع رسان

(۱) مسند الشهاب للقضاعي: ۲۲۳/۲ حدیث ۱۲۳۴ خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ |
 مسند الشهاب للقضاعي: ۱۰۸/۱ حدیث ۱۲۹ الْمُؤْمِنُ إِذَا مَالُوفٌ | المعجم
 الاوسط للطبرانی: ۵۸/۶ حدیث ۵۷۸۷ | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۰۶/۲ حدیث
 ۸۶۱ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۶۸۸ حدیث ۱۲۳۳ | قضاء الحوائج لابن
 ابی الدنيا: ص ۴۷ حدیث ۳۶

درجهٔ حدیث:

حدیثٌ ضعیفٌ ولكن له شواهد فيتقوى.



﴿ حدیث بیست و چهارم ﴾



إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الطَّلَقَ.

ترجمه: خداوند انسان نرم خوی گشاده رو را دوست دارد.^(۱)

تا خدا دوست گیردت با خلق
یک دل و یک زبان و یک رو باش
شاد طبع و شکفته خاطر زی
نرم خوی و گشاده ابرو باش

﴿ حدیث بیست و پنجم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَهَادُوا تَحَابُّوا.

ترجمه: به همدیگر هدیه بدهید باعث دوستی بین تان می شود.^(۲)

(۱) مسند الشهاب للقضای: ۱۵۳/۲ حدیث ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴ | مکارم الأخلاق للخرائطی:

ص ۶۳ حدیث ۱۴۴ بابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنْ لَیْنِ الْكَلَامِ وَخَفْضِ الْجَنَاحِ | كنز العمال: ۱۴/۳

حدیث ۵۲۱۰ | المداوی للعل الجامع الصغیر للغماری: ۳۵۶/۲ حدیث ۹۰۱/۱۸۶۵

درجه حدیث: سندُهُ ضَعِیفٌ وَلَکِنْ لَهُ شَوَاهِدُ

(۲) الادب المفرد للبخاری: ص ۲۰۸ حدیث ۵۹۴ | موطا مالک: ۷۹/۲ حدیث ۱۸۹۶

| الآداب للبيهقي: ص ۳۳ حدیث ۸۱ | مسند الشهاب للقضای: ۳۸۱/۱ حدیث

۶۵۷ | شعب الایمان للبيهقي: ۳۰۱/۱۱ حدیث ۸۵۶۷ | الکنی والاسماء للدولابی:

۴۶۶/۲ حدیث ۸۴۲ و ۶۴۸/۲ حدیث ۱۱۵۴ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۹۰/۷

حدیث ۷۲۴۰ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۲۶۹ حدیث ۳۵۲

درجه حدیث: حَدِيثٌ حَسَنٌ لِذَاتِهِ صَحِيحٌ لِغَيْرِهِ.

دوستی مغز و پوست دشمنی است
تا کی از مغز سوی پوست شوید
به هدایا کنید داد و ستد
تا بهم زان وسیله دوست شوید

﴿ حدیث بیست و ششم ﴾



أَظْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَّانِ الْوُجُوهِ. صَدَقَ.

ترجمه: حوائج خویش را از نزد مردم خوشرو بجوئید.^(۱)

بر درِ خوب روئی منزل گیر
چون پی حاجتی برون آیی
که از آن پیشتر که حاجت تو
دهد از دیدنش بیاسایی

(۱) مصنف ابن ابی شیبہ: ۲۹۸/۵ و ۲۹۹ حدیث ۲۶۲۷۶ و ۲۶۷۷ و ۲۶۷۸ مَا ذُكِرَ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ | الادب لابن ابی شیبہ: ص ۱۵۱ و ۱۵۲ حدیث ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ | فوائد تمام: ۳۴۰/۱ حدیث ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۱۸۷/۲ حدیث ۱۴۸۸ و ۲۹۸/۲ حدیث ۱۷۹۸ | مسند اسحاق ابن راهویه: ۹۴۶/۳ حدیث ۱۶۵۰ و ۱۶۵۱ | مسند الشهاب للقضاة: ۳۸۴/۱ حدیث ۶۶۱ | مسند ابی یعلیٰ: ۱۹۹/۸ حدیث ۴۷۵۹ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ۱۴۷ تا ۱۴۹ حدیث ۱۶۱ | المداوی للغماری: ۶۰۰/۱ حدیث ۱۱۰۷/۵۴۶
درجہ حدیث: قیل فیہ موضوعٌ وقیل ضعیفٌ؛ وَالْحَقُّ أَنَّهُ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، کما قال السیوطی: وَهَذَا الْحَدِيثُ فِي مُعْتَقَدِي حَسَنٌ صَحِيحٌ وَقَدْ جُمِعَتْ طَرَقُهُ فِي جُزْءٍ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ. (الآلِی المصنوعة للسیوطی: ۶۸/۲ کتاب الصلاة) وقال العجلونی: حَسَنٌ صَحِيحٌ. (کشف الخفاء ومزیل الإلباس للعجلونی: ۲۰۰/۱ حدیث ۵۲۷)

﴿ حدیث بیست و هفتم ﴾



وَأَيْضاً قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زُرْ غَيْبًا، تَزِدُّهُ حُبًّا.

ترجمہ: دید و وادیدِ دوستانِ ہر چند وقت یکبار، دوستی را می افزاید.^(۱)

دیدنِ دوستِ دوست را گہ گہ

چہرہٴ دوستی بیاراید

ز اتفاقِ دوامِ صحبتِ شان

شوقِ کاہدِ ملالتِ افزاید

(۱) مسند ابی حنیفہ بروایہ ابی نُعیم: ص ۱۳۹ | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۳۳/۱۴
حدیث ۱۴۷۵۶ | مسند الشہاب للقضاعی: ۳۶۶/۱ و ۳۶۷ حدیث ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱
و ۶۳۲ | مجمع الزوائد للہیثمی: ۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۷ و ۱۳۶۰۸ بَابُ الزَّيَارَةِ وَإِكْرَامِ
الرَّائِرِينَ | المقاصد الحسنۃ للسخاوی: ص ۳۷۷ حدیث ۵۳۷ | مسند ابی داؤد الطیالسی:
۲۶۸/۴ حدیث ۲۶۵۸ | مسند الحارث: ۸۶۲/۲ حدیث ۹۲۰ باب فی الزیارة | مسند
الیزار: ۳۸۰/۹ حدیث ۳۹۶۳ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۲۱۰/۲ حدیث ۱۷۵۴ | المعجم
الاوسط للطبرانی: ۹/۶ حدیث ۵۶۴۱ | امثال الحدیث لابی الشیخ الاصبہانی: ص ۴۸
حدیث ۱۴ | فوائد تمام: ۹۹/۱ حدیث ۲۲۸

درجہ حدیث: حَسَنٌ صَحِيحٌ.

قال الہیثمی: رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ، وَفِيهِ ابْنُ لَهْيَعَةَ وَحَدِيثُهُ حَسَنٌ، وَبَقِيَّتُهُ
رِجَالُهُ ثِقَاتٌ. (مجمع الزوائد للہیثمی: ۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۷ بَابُ الزَّيَارَةِ وَإِكْرَامِ
الرَّائِرِينَ)، وَقَالَ أَيْضاً: رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ وَإِسْنَادُهُ حَسَنٌ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ. (مجمع الزوائد للہیثمی:
۱۷۵/۸ حدیث ۱۳۶۰۸ بَابُ الزَّيَارَةِ وَإِكْرَامِ الرَّائِرِينَ).

وفی حاشیہ مسند الشہاب: والحدیث روی من طرق من کثیر من الصحابة

فهو صحیح. (۳۶۷/۱)

﴿ حدیث بیست و هشتم ﴾



طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ.

ترجمه: خوشا بحال آنکس که عیب خودش او را از عیوب دیگران مشغول بدارد.^(۱)

ای خوش آنکو به عیب بینی خویش
پیشوای هنروران گردد
عیب او پیش دیده دل او
پردۀ عیبِ دیگران گردد

﴿ حدیث بیست و نهم ﴾



أَلْغِي الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

(۱) شعب الایمان للبيهقي: ۱۴۲/۱۳ حدیث ۱۰۰۷۹ الزهد وقصر الامر | مسند البزار: ۳۴۸/۱۲ حدیث ۶۲۳۷ | فوائد تمام: ۲۰۸/۱ حدیث ۴۹۱ | مسند الشهاب للقضاة: ۳۵۷/۱ و ۳۵۸ حدیث ۶۱۳ | مجمع الزوائد للهيثمی: ۲۲۸/۱۰ حدیث ۱۷۷۰۰ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص ۴۳۳ حدیث ۶۶۲ | معجم ابن عساکر: ۱۰۵۲/۲ و ۱۰۵۳ حدیث ۱۳۵۸
درجۀ حدیث:

قال ابن عساکر رحمه الله: وقوله: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ» وما بعده يُرْوَى بإسنادٍ صالحٍ عن ركب المصري عن رسول الله صلى الله عليه وسلم. (معجم ابن عساکر: ۱۰۵۳/۲ حدیث ۱۳۵۸)

ترجمه: غنی و ثروت اصلی قطع طمع از مال مردم است.^(۱)

گر دلت را توانگری باید
که توانگر دلی نکو هنریست
بازکش دستِ همت از همه چیز
که به دستِ تصرفِ دگریست

﴿ حدیث سی ام ﴾



مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ.

ترجمه: علامت نیکوئی اسلام انسان این است که کارها و

(۱) مسند الشهاب للقضاعي: ۱۴۶/۱ حدیث ۱۹۹ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۵۵/۶

حدیث ۵۷۷۸ | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۳۹/۱۰ حدیث ۱۰۲۳۹ | حلیة الاولیاء

للأصبهانی: ۱۸۸/۴ | مجمع الزوائد للهيثمي: ۲۸۶/۱۰ حدیث ۱۸۰۶۴ | المقاصد

الحسنة للسخاوی: ۲۲۲ و ۲۲۳ حدیث ۲۷۳ | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۵۴/۴ حدیث

۳۹۸۸ و ۳۹۸۷ | المعجم الكبير للطبرانی: ۴۴/۶ حدیث ۵۴۵۹ بلفظ وَاجْمَعَ الْيَأْسَ

مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ | مساوی الاخلاق للخرائطي: ۳۰۹ حدیث ۶۴۵ بلفظ وَاجْمَعَ

الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ | معجم ابن الاعرابی: ۶۴۳/۲ حدیث ۱۲۷۹ بلفظ وَاطْلُبِ

الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ

درجۀ حدیث: سَدَّهٗ ضَعِيفٌ وَمَتْنُهُ صَحِيحٌ.

اسانید الحدیث ضعیفۀ کلها ولاکن له شواهدُ صحیحۀ، منها حدیث المتفق

علیه «لِغْنَى غَنَى النَّفْسِ». (صحیح البخاری: ۹۵/۸ حدیث ۶۴۴۶ کِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ

الْغِنَى غَنَى النَّفْسِ | صحیح مسلم: ۷۳۶/۲ حدیث ۱۰۵۱ کِتَابُ الرِّزْقَةِ، بَابُ لَيْسَ

الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ)

حرف های بی فایده را ترک کند.^(۱)

تا شود در جهان علم و عمل
شاهد دین تو جمال افزای
زانچه در خور نیفتدت باز ایست
زانچه لایق نباشدت باز آی

﴿ حدیث سی و یکم ﴾



لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ.

ترجمه: پهلوان آن نیست که دیگری را بخواباند، پهلوان آن
است که در وقت خشم، خود را اداره کند.^(۲)

پهلوان نیست آنکه در گُشتی
پهلوان دگر بیندازد
پهلوان آن بُود که وقتِ غضب
نفسِ آماره را زبون سازد

(۱) موطا محمد: ص ۳۳۴ حدیث ۹۴۹ باب فضل الحیاء | جامع الترمذی: ۵۵۸/۴
حدیث ۲۳۱۷ و ۲۳۱۸ أَبَوَابُ الرَّهْدِ | سنن ابن ماجه: ۱۳۱۵/۲ حدیث ۳۹۷۶ كِتَابُ
الْفِتَنِ، بَابُ كَفِّ اللِّسَانِ فِي الْفِتْنَةِ | الجامع لابن وهب: ص ۴۱۰ حدیث ۲۹۷ و ص
۵۴۸ حدیث ۴۴۳ | الجامع لابن وهب: ص ۴۱۰ حدیث ۲۹۷ و ص ۵۴۸ حدیث ۴۴۳
درجه حدیث: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

(۲) صحیح البخاری: ۲۸/۸ حدیث ۶۱۱۴ كِتَابُ الْأَدَبِ، بَابُ الْحَذَرِ مِنَ الْغَضَبِ | صحیح
مسلم: ۲۰۱۴/۴ حدیث ۲۶۰۹ كِتَابُ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَالْأَدَابِ، بَابُ فَضْلِ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ
عِنْدَ الْغَضَبِ وَيَأْيِي شَيْءٍ يَذْهَبُ الْغَضَبُ

﴿ حدیث سی و دوم ﴾



لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ.

ترجمه: ثروت حقیقی پول داشتن بسیار نیست، ثروت حقیقی بی نیازی و غنای دل است.^(۱)

نه توانگر کسی بُود که به مال
کارپرداز و چاره ساز بُود
آن بُود کز شهودِ فضلِ خدای
از زر و مال بی نیاز بُود

﴿ حدیث سی و سوم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ.

ترجمه: (در معاملات) دور اندیشی عبارت از بدگمانی است.^(۲)

(۱) صحیح البخاری: ۹۵/۸ حدیث ۶۴۴۶ كِتَابُ الرِّقَاقِ، بَابُ الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ |

صحیح مسلم: ۷۲۶/۲ حدیث ۱۰۵۱ كِتَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ

(۲) مسند الشهاب للقضاة: ۴۸/۱ حدیث ۲۴ الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ | تاریخ المدینه

لابن شبة: ۸۰۱/۳ | شعب الایمان للبيهقي: ۳۷۴/۶ حدیث ۴۳۵۶ | المقاصد الحسنه

للسخاوی: ص ۶۵ حدیث ۳۲

درجه حدیث:

رَوَى بِأَسَانِيدٍ ضَعِيفَةٍ كُلُّهَا، مَرْفُوعاً وَمَوْقُوفاً وَمَقْطُوعاً، وَبَعْضُهَا يَتَقَوَّى بِبَعْضٍ.

حَزْمُ مرد آن بُود که در همه وقت
در حقّ خلقِ بد گمان باشد
در همه کار احتیاط کند
تا ز هر کید در امان باشد

﴿ حدیث سی و چهارم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **أَلْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ.**

ترجمه: مانع شدن از علم آموختن روا نیست.^(۱)

ای گرانمایه مرد دانشور
که ترا علم دین بُود معلوم
مستعدّ را از آن مشو مانع
مستحقّ را از آن مکن محروم

(۱) مسند الشهاب للقضاة: ۸۴/۱ حدیث ۸۴ | کنز العمال: ۱۳۴/۱۰ حدیث

۲۸۶۷۰ و کنز العمال: ۲۱۷/۱۰ حدیث ۲۹۱۵۱ | المقاصد الحسنة للسخاوی: ص

۴۶۲ حدیث ۷۰۶

درجه حدیث:

يُرْوَى بِإِسْنَادَيْنِ ضَعِيفَيْنِ وَلَا كُنْ لَهُ شَاهِدٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرَطِ الشَّيْخَيْنِ؛ «مَنْ
سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكَتَمَهُ جِيءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ أُلْجِمَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ».

(المستدرک للحاکم: ۱۸۱/۱ و ۱۸۲ حدیث ۳۴۴ و ۳۴۶)

﴿ حدیث سی و پنجم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: الْكَلِمَةُ الطَّيْبَةُ صَدَقَةٌ، صَدَقَ نَبِيُّ اللَّهِ.

ترجمه: سخن خوب گفتن با مردم صدقه است و ثواب دارد.^(۱)

سخن نرم گوی با سایل
گر ز مالش نمی دهی نفقه
زانکه در روی اهل حاجت هست
قول خوش از مقوله صدقه

﴿ حدیث سی و ششم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: كَثْرَةُ الصَّحِيحِ تُمِيتُ الْقُلُوبَ.

ترجمه: خنده بسیار دل را می میراند.^(۲)

(۱) صحیح البخاری: ۵۶/۴ حدیث ۲۹۸۹ کِتَابُ الْجِهَادِ وَالسَّيْرِ، بَابُ مَنْ أَخَذَ بِالرَّكَابِ وَنَحْوِهِ | صحیح مسلم: ۶۹۹/۲ حدیث ۱۰۰۹ کِتَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ بَيَانِ أَنَّ اسْمَ الصَّدَقَةِ يَقَعُ عَلَى كُلِّ نَوْعٍ مِنَ الْمَعْرُوفِ

(۲) جامع الترمذی: ۵۵۱/۴ حدیث ۲۳۰۵ أَبْوَابُ الرُّهْدِ، بَابُ: مَنْ اتَّقَى الْمَحَارِمَ فَهُوَ أَعْبَدُ النَّاسِ | سنن ابن ماجه: ۲۸۵/۵ حدیث ۴۱۹۳ أَبْوَابُ الرُّهْدِ، بَابُ الْحُزْنِ وَالْبُكَاءِ | الادب المفرد للبخاری: ص ۹۸ حدیث ۲۵۲ و ۲۵۳ | مسند احمد: ۴۵۸/۱۳ و ۴۵۹

خرم آنکس که بهر زنده دلی
 زیر لب خنده را بمیراند
 خنده کم کن که خنده بسیار
 صد دل زنده را بمیراند

﴿ حدیث سی و هفتم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: أَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَمَاتِ.

ترجمه: بهشت در زیر پای مادران است.^(۱)

سر ز مادر مکش که تاج شرف
 گردی از راه مادران باشد
 خاک شو زیر پای او که بهشت
 در قدم گاه مادران باشد

(۱) مسند الشهاب للقضاعي: ۱۰۲/۱ حدیث ۱۱۹ | الکنی والاسماء للدولابی: ۱۰۹۱/۳

حدیث ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ | المقاصد الحسنة للقضاعي: ص ۲۸۶ حدیث ۳۷۳

درجه حدیث:

حدیث ضعیف السند صحیح المعنی قفی سُنَنِ النَّسَائِي: ۱۱/۶ حدیث ۳۱۰۴
 كِتَابُ الْجِهَادِ، الرُّخْصَةُ فِي التَّخَلُّفِ لِمَنْ لَهُ وَالِدَةٌ بَلْفُظَ فَأَلَزَمَهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلَيْهَا
 | وفى المستدرک للحاکم: ۱۱۴/۲ حدیث ۲۵۰۲ و ۱۶۷/۴ حدیث ۷۲۴۸ بلفظ «فَإِنَّ
 الْجَنَّةَ عِنْدَ رِجْلَيْهَا».

﴿ حدیث سی و هشتم ﴾



الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ. صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ.

ترجمه: گفتار سبب بلاهاست.^(۱)

هر که شد مبتلا به پُرگوئی
به بلایی عجب گرفتار است
هر بلایی که می رسد به کسان
بیشتر از مَمَرِ گرفتار است

(۱) مسند الشهاب للقضاعي: ۱۶۱/۱ و ۱۶۲ حدیث ۲۲۷ و ۲۲۸ | امثال الحدیث
لابی الشیخ الاصبهانی: ص ۸۸ حدیث ۵۱ | المعجم الاوسط للطبرانی: ۷۸۷ حدیث
۶۹۰۸ | المداوی لعلل الجامع الصغیر و شرحی المناوی للغماری: ۵۵۴/۳ و ۵۵۵ حدیث
۳۲۱۹/۱۳۸۴ البلاء مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ

درجه حدیث:

حدیث ضعیف السند صحیح المعنی، فعند الشیخین: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصُمْتُ». صحیح البخاری: ۱۱/۸ حدیث ۶۰۱۸ کتاب
الْأَدَبِ، بَابُ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ | صحیح البخاری: ۱۰۰/۸
حدیث ۶۴۷۵ کتاب الْأَدَبِ، بَابُ حِفْظِ اللِّسَانِ | صحیح مسلم: ۶۷/۱ حدیث ۴۷
کِتَابُ الْإِيمَانِ، بَابُ الْحَثِّ عَلَى إِكْرَامِ الْجَارِ وَالضَّيْفِ، وَلِزُومِ الصَّمْتِ إِلَّا عَنِ الْخَيْرِ وَكَوْنِ
ذَلِكَ كُلِّهِ مِنَ الْإِيمَانِ | صحیح مسلم: ۱۳۵۲/۳ حدیث ۴۸ کتاب اللَّقْطَةِ، بَابُ الضِّيَافَةِ
وَنَحْوِهَا

وعند احمد والترمذی فی حدیثٍ حَسَنِ صَحِيحٍ: «مَنْ صَمَتَ نَجَا». مسند
احمد: ۱۹/۱۱ حدیث ۶۴۸۱ و ۲۳۵/۱۱ حدیث ۶۶۵۴ | جامع الترمذی: ۶۶۰/۴ حدیث
۲۵۰۱ أَبْوَابُ صِفَةِ الْفِيَامَةِ وَالرَّقَائِقِ وَالْوَرَعِ

﴿ حدیث سی و نهم ﴾



النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ.

ترجمه: نظر به نامحرم تیری زهر آلود از تیر های شیطان

است.^(۱)

دیدن زلف و خالِ نامحرم
دانه کید و دام ابلیس است
هر نظر ناوکیست زهرآلود
که ز شست کمان ابلیس است

(۱) المستدرک للحاکم: ۳۴۹/۴ حدیث ۷۸۷۵ | المعجم الكبير للطبرانی: ۱۷۳/۱۰
حدیث ۱۰۳۶۲ | مسند الشهاب للقضاعي: ۱۹۵/۱ حدیث ۲۹۲ | الترغیب والترهیب
لقوام السنة: ۸۳/۱ حدیث ۳۸ | تخریج احادیث الاحیاء: ۶۱۱/۲ حدیث ۶۷۹ |
اتحاف المهرة لابن حجر: ۲۶۶/۴ حدیث ۴۲۴۲ | كشف الخفا للعجلونی: ۳۹۸/۲ و
۳۹۹ حدیث ۲۸۶۴ | مختصرُ استدراك الحافظ الذهبي على مُستدرک أبي عبد الله
الحاکم لابن الملقن: ۲۹۸۶/۶ تا ۲۹۸۸ تحت حدیث ۱۰۰۸

درجه حدیث:

حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ لَهُ شَوَاهِدٌ صَحِيحَةٌ وَصَحَّحَهُ غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ.
قال الحاکم: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ. (المستدرک للحاکم:
۳۴۹/۴ حدیث ۷۸۷۵)

وأقره العراقي وقال: رواه الحاکم وَصَحَّحَ إِسْنَادَهُ مِنْ حَدِيثِ حُدَيْقَةَ رَضِيَ اللَّهُ
عنه. (تخریج احادیث الاحیاء: ۶۱۱/۲ حدیث ۶۷۹)
وأقره العجلونی وقال: رواه الحاکم وَصَحَّحَهُ، وأقره العراقي. (كشف الخفا
للعجلونی: ۳۹۸/۲ و ۳۹۹ حدیث ۲۸۶۴)

﴿ حدیث چہلم ﴾



وَمِنْ كَلَامِهِ ﷺ: لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ. صَدَقَ.

ترجمہ: مسلمان سیر نمی خورد در حالی کہ همسایہ اش
گرسنہ است.^(۱)

ہر کہ در خطہٴ مسلمانی
باشد از نقد دین گرافایہ
گی پسندد کہ خود بخُسد سیر
بنشیند گرسنہ همسایہ؟



مَتَّ تَرْجَمَةُ هَذِهِ الْأَرْبَعِينَ
بِتَوْفِيقِ مَنْ هُوَ نَاصِرٌ وَمُعِينٌ سَنَةِ سِتٍّ وَثَمَانِينَ وَثَمَانِمِائَةٍ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْإِتْمَامِ

(۱) الزہد لابن المبارک: ۱۷۹/۱ و ۱۸۰ حدیث ۵۱۳ | مسند احمد: ۴۴۸/۱ حدیث ۳۹۰ | المستدرک للحاکم: ۱۸۵/۴ حدیث ۷۳۰۸ | مجمع الزوائد للہیثمی: ۱۶۷/۸ حدیث ۱۳۵۵۶ | المطالب العالیۃ لابن حجر: ۴۹/۱۲ حدیث ۲۷۴۵ | الادب المفرد للبخاری: ص ۵۲ حدیث ۱۱۲ باب لا یشبع دون جاره | مجمع الزوائد للہیثمی: ۱۶۷/۸ حدیث ۱۳۵۵۴ و ۱۳۵۵۵

درجہ حدیث:

حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَلَهُ شَوَاهِدٌ صَحِيحَةٌ



وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْبَرَّةِ الْكَرَامِ.

اربعین های سالکان جامی

هست بهر وصول صدر قبول

نبود از فضل حق عجیب و غریب

که بدین اربعین رسی به وصول

